

• توسعه اقتصادی : سراب یا واقعیت •

• غلامحسین دوانی •

شاید به جرأت بتوان گفت که در دهساله اخیر تغییر و تحولاتی که در سطح جهانی روی داده چه از بعد اقتصادی و چه از سایر ابعاد سیاسی ، فرهنگی و اجتماعی ، به مشابه نقطه عطفی برخورد عادی سیر نظیر تاریخی بوده است .

در مقطعی از تاریخ که مغرب زمین در نیکابوی زندگی ، علم و فلسفه را بیکره رشد اقتصادی - اجتماعی قرار داده بود ، دولتمردان قاجار در سراسیمه سرسرد ابداعی و در لذت بیچش هولناک آن ، آرایه تمدن را از شاهراه ایران دور ساخته و عصر جهش و جهل را حاکمیت بحسبند و چون این واقعه در عصر هجوم تمدن و جهش به سوی سبب رخن نمود ، از این جهت خاندان قاجار خدانتی به ایران روا داشتند که هیچ مسنه ای بدان دست نازیده بود .

عصر کنونی از نقطه نظر تفکر ، تیسر و جهش به سوی آینده اگرچه با همه ابهام و ناراحتی آن ، از نقطه نظر مردم ایران و موقعیت کشور در مختصات تعریف شده فوق قرار دارد . سردرگمی دولتمردان ، غفلت از تصمیم گیریها و غوطه ور شدن در بار موی پریشان شده ای که گویا چمن هزاران خم برنامه ریزی رشد ستابان را بر هم خواهد زد و .. عنصر اساسی و ویژگی دوره اخیر را تشکیل می دهند .

جهان سوم با سه اعمال و آرزوهای نهانی در کوجه و بس کوجه مهدی بازار مزیت نسبی ، مزیت رقابتی ، مزیت صادراتی و مزیت بدهی ، بدنبال رهیافت اندیشه ای است که بار اقتصادی کشور را به سرسبزگی مقصود رساند . عنصر مسلط این حرکت هست مردمی است که سخت کوشند و کسر هست بر آن بسته اند که بهر طریق و امکان دروازه بسته شده جهان سود را بگشایند و سبیل وار به سوی قافله تمدن

برانند. تولید انبوه، اشتغال، رفاه اجتماعی، فرهنگی، کار و امثال آن، شاخص های این حرکتند.

بسی از گوشه و کنار دنیا غافل ماندیم که مسافر خسته کاروان ۱۹۷۵ که تنها درآمد سرانه آن با غنا قابل مقایسه بود، در سال ۱۹۹۲ خود قافله سالاری شده که مخارج هم سفر شدن با وی از عهده قافله سالاران دیروزین نیز بر نمی آید. حرکت لاک پشتی پنجاه ساله اخیر سرمایه در ایران، تقلید کاربکاتوری از همه ابعاد زندگی مغرب زمین چه در صحنه صنعت و تجارت و چه در مهلکه اجتماع و فرهنگ قالب مونتاژی را به ارمان آورد که همه چیز با آن نال و در آن قالب گنجانیده شد. نه تنها مونتاژکار صنعت بی بدیل شدیم که صافکار و ریخته گر آینه های اندیشه قرون وسطی نیز از کار درآمدیم.

توسعه، رشد شتابان و دهها مقوله بی مصرف دیگر که در وادی خفته گان مفهومی جز شمار ندارند چون بر مزبله تفکر بی مایه نشینند قالبی مگر ایستائی نخواهند داشت. کج اندیشی نیست اگر گفته شود بنیان توسعه در نظام مسئولیت و صلاحیت نهفته، و چون توسعه علمی مد نظر قرار دارد پس صلاحیت باید علمی باشد هرگونه مبانی خودساز دیگر چون تعهد و تخصص تعریف نشده و خلاف علم با سیطره توسعه بیگانه و مانع خواهند بود.

اگر توسعه اقتصادی را تلخیص «تکاپوی همه جانبه نیروهای فعال و متحرک اقتصادی - اجتماعی کشور و برآیند وجود فرهنگی اندیشه، اقتصاد و سیاست» بدانیم پس هرگونه تفکر ایستا که روح و روان جامعه را از تقلا وادارد، ضد توسعه و مانع خواهیم یافت.

برنامه ریزی مشخص اقتصادی بر مبنای تخصیص عقلانی منابع قابل دسترس و نه منابع فرضی و موهوم و تقسیم کار منطقی - و نه تقسیم موزون بیکاری - بر اساس نظام شایستگی دولتمردان و سیستم مسئولیتی مشارکت و تحریک عوامل این خواسته از طریق اشاعه فرهنگی کار شادی طلب که خمودگی و خموشی را در هم شکنند پیش نیاز توسعه خواهد بود. چگونه می توان برنامه و توسعه ورشد و رفاه اجتماعی را از میان اندیشه های موهوم و سکون و سکوت تاریخی کشور بیش برد؟

وجود متمایز و مشخصه توسعه در هر کشور و در هر گوشه ای از اقصای زمین عبارتند از: عزم ملی و اراده علمی، تخصیص منابع عقلانی، برنامه زمان بندی مبتنی بر امکانات علمی و استقرار نظام جوابگیری پیشرفت کار و افزون بر آن اشاعه فرهنگ کار و آزمون و جشن شادی و اضمحلال و انهدام پل های ویران اندیشه ای تاریک و عناصر غیر توسعه ای در یک فضای آرام به دور از شعار و هیاهومی باشد. دهسالی را در گوشه ای به عزلت اقتصادی نشستن و از امکانات و

محدودیت‌های زمانه بهره‌جستن و توانائی ملت را فزونی بخشیدن و آموزش مردم را اولویت قرار دادن و پرورش انسانهایی آزموده و مسئول، و شایستگی دولتمردان را کراراً آزمودن و غربال‌راهبران سره و ناسره و در جشن مهرگان توسعه حضور یافتن، تنها راه‌گریز از وضعیت کنونی است.

وضعیتی که جز با لایروبی سازمانی و تسکیناتی و اساس راز نو نهادن، و بنیان مرسوس پای‌نگیرد و پای مردان بر آن پافشاری نباید کردن و این مسکن نخواهد شد جز اجرای شعار «دولت به عدل باید و ملت به علم»!

همت والای توسعه‌طلبان و نیاز مشدد توسعه خواهان دو بال شاهین بیک آینده‌ای خواهند بود که جغد اندیشه سکون را بدور افکنده تا دار موجود را از فنا برهانند و آنرا باقی و بقا بخشند. شاهسوار شاهین توسعه نمی‌تواند با کج سوارا را به قرنها سکوت همراه باشد. و در سراسیمی قوس و قزح چرخ‌های ارباب سکوت باید در هم سکند و مزیت همت و اراده کار بر مزیت تکنولوژی غائب گردد که تکنولوژی و رقابت و صادرات مگر در راستای همت کار حاصل نگردد.

جمعیتی که حضورشان بر بقای حضرتشان استوار است نقصان باید و جماعتی که قلب آنان بر کنرت‌شان مبنای تحرک و توسعه باشد دوام و قوام یابند و دانند آنچه را گویند و افزایش دانائی را خصلت خود پیشه سازند تا دانائی و توانائی را بوند عممی بینند و ناتوانی و عللی را در هم شکنند.

منادیان جهل را که حجاب سنبون اندیشه فرون سکون سنگر دارند به عالمان آدمست اشاره نموده و آنان را در جرخش سرعت توسعه در گردونه آزمون محک کرد. هر گویه اندیشه نضوب خوار شمردن دنیای باقی و همدین بر این باور که گویی ایدئولوژی‌های سکون و دار فانی می‌توانند همراهِ و یا حتی همراز توسعه باشند! غافل کردن و خام نمودن مردمی خواهد بود که چشم انتظار رشد و رفاه هستند.

منتظرین و امت انتظار نا از سنگر فنا بیرون نیابند باقی نخواهند ماند و سادیان روشنفکر مبلغ اندیشه‌های تهی راهی بر استواری نخواهند یافت. کسانی که تا دیروز هربان و همراه بودند به جبر زمانه رو در رو خواهند ایستاد و غرض از مقابله با آنان بهر حال حفظ وضع موجود است و وحشت همگان از تغییر و تحول.

ایمان دارم که سخن دانشمند فرزانه‌ای که ایستائی را محکوم و تغییر را تسبیح می‌کرد در همه زمان‌ها و مکان‌ها درست و به حق بوده و صرفاً شکل مداوم تغییر و تحول تفاوت خواهد نمود. نمی‌توان بر یک نقطه تحول دو گونه عمل کرد. نلای‌های گروهی باصطلاح اندیشمند در مقطع کنونی به منظور سدسازی در تقابل تغییر و توسعه می‌باشد که وظیفه و ماموریت همراهان واقعی توسعه را دو چندان می‌نماید. ■